



پروژه کشته‌سازی چه نقشی در طرح شکستن مقاومت ملی ایرانیان داشت؟

اسم رمز؛ خون



سرمقاله

یک تیر و دو نشان. پروژه کشته‌سازی در اعتراضات اخیر را می‌توان طرحی دانست که قرار بود همزمان دو هدف را دنبال کند: «ایجاد یک نقطه افتراق و گسل در داخل ایران و همزمان با آن ایجاد مشروعیت برای مداخله نیروی خارجی». شکستن مقاومت ایران در معرکه فعلی نیازمند دو کار هم‌زمان بود. نخست آنکه باید در جبهه داخلی گسست ایجاد شود. نقطه اتکای برخورد نظامی و امنیتی ایران با طرح‌های مداخله جویانه خارجی ایستادن روی زمین سفت انسجام ملی بوده است. اتفاقی که در جنگ ۱۲ روزه دشمن صهیونی و آمریکایی علیه ایران امتحان خود را به خوبی پس داد. پشتوانه قدرت نیروهای مسلح کشور، ایستادن روی زمین سفت اتحاد مقدس ایرانیان بود. سمت دیگر ماجرا گسترش دامنه مداخله خارجی برای شکستن حصار ایرانیان بود. گسترش دامنه مداخله نیاز به مشروعیت در سطح جهانی داشت. اقدام نظامی علیه یک کشور و دولت و ملت نیازمند استدلالی است که در ساحت تبلیغاتی و رسانه‌ای بهانه حداقلی را برای اقدام فراهم آورد تا یک همراهی ولو حداقلی خارجی و بین‌المللی را ایجاد کند. جنگ ۱۲ روزه نشان داد که با فشارهای نظامی در آن مختصات، ایران کوتاه آمدنی نیست. پس باید فشار را افزایش داد و افزایش فشار نیاز به یک همراهی حداقلی دارد تا بتواند حصار ایران را بشکند. شکستن مقاومت ایران از مسیر عملیاتی شدن همزمان این دو طرح می‌گذشت. دو جبهه داخلی و خارجی علیه مقاومت ملی هم‌زمان باید فعال می‌شد. در چنین میزانشی است که پروژه کشته‌سازی در فتنه و کودتای اخیر معنادار می‌شود. کشته‌سازی از یک سو در جبهه داخلی باعث گسل و افتراق میان مردم و حاکمیت می‌شد. از دید برنامه‌ریزان ضدامنی موساد و سیا، این طرح باعث بدبینی، کینه و نفرت جامعه ایرانی به دولت و حاکمیت شده و در پشت جبهه یک شکاف و یک منطقه درگیری جدید برای جمهوری اسلامی باز می‌کرد. مدیریت تنش در این منطقه دیگر به سادگی مدیریت تنش با دشمن خارجی نیست چرا که در این سو مردم ایران قرار می‌گرفتند. پیشران این جبهه داخلی هم هسته‌های تروریستی ضدامنی بودند که قرار بود با تحریک بخشی از بدنه اجتماعی معترضان و اغفال شده‌ها آنها را دستاویز طرح‌هایی مانند حمله به مراکز نظامی و انتظامی قرار دهند تا در ادامه بتوانند از تبعات و امواج بعدی این اقدام، بهره‌برداری لازم را بکنند. از نگاه آنها این اتفاق علاوه بر آنکه شکاف جبهه داخلی را عمیق‌تر کرده و انسجام ملی ایرانیان را متزلزل می‌کرد. هم‌زمان یک خوراک تبلیغاتی مناسب برای دستگاه پروپاگاندا فراهم می‌کرد. یک جریان تبلیغاتی و رسانه‌ای قدرتمند که قرار بود با اعداد و ارقام نجومی مدعی کشتارهای ده‌ها هزار نفری شود. در ادامه هم در ساحت افکار عمومی دنیا، برخورد سخت با جمهوری اسلامی را موجه جلوه دهد. اینجاست که موج تبلیغاتی سنگین ضد ایرانی رسانه‌های معاند فارسی زبان و غیرفارسی زبان که پیمانکار این بخش از پروژه بودند واجد معنا می‌شود. موج عددسازی‌ها تا جایی پیش رفت که از جنگ‌های کلاسیک هم عبور کرد و مایه ریشخند و تمسخر را فراهم آورد. اتفاقی که با انتشار رسمی آمار از سوی جمهوری اسلامی عملاً از حیز انتفاع خارج شد. نقطه اتکای تمام این طرح، پروژه کشته‌سازی بود. کشته‌سازی قرار بود هم اسم رمز جنگ داخلی شود و کاتالیزور تند و ملت‌هت‌شدن فضا شود و هم از سوی دیگر مشروعیت اقدام سخت از جبهه خارجی را فراهم آورد. جینی که البته مرده به دنیا آمد. آن بخش از عقبه اجتماعی مردمی که معترض واقعی به شرایط اقتصادی بودند با بروز اولین نشانه‌های این طرح در ۱۸ دی از معرکه خارج شدند تا مهره بازی ضد ایرانی دشمن نشوند. از سوی دیگر مهار همه جانبه کودتا از سوی دستگاه‌های متولی، جنین ضدامنی ماجرا را فرده به دنیا آورد. یکی از دلایل جهش یک‌باره سیاست رسانه‌ای ماشین تبلیغاتی دشمن و در نوردیدن اعداد و ارقام نجومی و رسیدن به ایستگاه موجه جلوه دادن مداخله نظامی آن هم بدون مقدمه چینی پیشینی این مسأله بود که از یک سو عقبه اجتماعی از معرکه بیرون آمد و با جریان خشن تروریستی کف خیابان همراهی نکرد. از سوی دیگر هم دستگاه‌های متولی امنیتی بعد از عدم همراهی مردمی با این جریان تروریستی توانستند کل ماجرا را مهار کنند. در ادامه موج میلیونی همراهی با جمهوری اسلامی آبی بود بر خاکستر فتنه که کل ماجرا را شست و با خود برد. دشمن قرار بود با کشته‌سازی هم‌زمان به دو هدف نائل شود. یک فتنه زمستانی دیگر گذشت و روسپاهی اش به چهره کسانی ماند که خائنه یا غافلانه بخشی از طرح دشمن بودند. ■

پيام صوتی
یک هموطن ایرانی
خطاب به نیروهای
مسلح ایران

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا. نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشْرٌ الْمُؤْمِنِينَ.
چو ایران نباشد تن من مباد. ما و تسلیم هرگز!
اگر سر بر سر، تن به کشتن دهیم، از آن به که کشور به دشمن دهیم.

اللّٰهُ اَكْبَرُ! این صدای ملت قهرمان ایران است.
پسّم اللّٰهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِيْنَ.
وَمَنْ يَتَوَلَّ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ وَالَّذِيْنَ آمَنُوْا فَاِنَّ جَزْءَ اللّٰهِ هُمْ الْعَالِيُوْنَ.

سبحان الله
این سخن است بزرگوار است

رادیونگار

هشدار بازدارنده

مهران کریمی
کارشناس مسائل سیاسی

در تحلیل رهبر انقلاب، قدرت‌های استکباری بیش از آنکه اهداف خود را با اقدام نظامی مستقیم پیش ببرند، از جنگ روانی، تهدید و ایجاد ترس استفاده می‌کنند. به باور ایشان، این جریان می‌کوشد با بزرگ‌نمایی توان نظامی و نمایش قدرت، طرف مقابل را دچار انفعال و عقب‌نشینی کند. ترامپ نیز در این چارچوب به عنوان نمونه‌ای شاخص مطرح می‌شود؛ سیاستمداری که با لحن تند، نمایش قدرت نظامی و تهدیدهای رسانه‌ای می‌کوشد هراس ایجاد کند و طرف مقابل را به پذیرش خواسته‌هایش وادار سازد. هدف چنین رویکردی، تضعیف ابزارهای قدرت رقیب - از توان دفاعی تا نفوذ منطقه‌ای - از طریق ترساندن و ناامید کردن اوست. با توجه به این استراتژی، رهبر انقلاب این راهبرد را به چالش کشیدند و با تأکید بر اینکه هر اقدام نظامی می‌تواند به پیامدهای گسترده‌تری منجر شود و به سادگی پایان نیابد، معادله تهدید یک‌جانبه را برهم می‌زنند. طرح احتمال گسترش درگیری، به عنوان هشدار بازدارنده، در همین چارچوب تفسیر می‌شود.

قاب

آغوش گرم فرمانده برای فرزندان شهدا

سردار سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با جمعی از خانواده‌های شهدای دفاع مقدس ۱۲ روزه دیدار کرد. این فرزندان شهید نخستین بار است که روزهایی مثل روز پدر و روز پاسدار را بدون حضور پدران‌شان سپری کردند.

طلیعه فتح

سخنرانی تاریخی امام خمینی (ره) در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷

ما می خواهیم سرنوشت مان بدست خودمان تعیین شود، نه سفارت‌های خارجی!

ما امیدواریم با پیوستگی به هم بتوانیم طاغوتها را تا آخر از بین ببریم و به جای او یک حکومت عدل اسلامی؛ که مملکت ما برای خودمان باشد و همه چیز ما به دست خودمان باشد. ما می خواهیم که سرنوشت ما را خودمان تعیین کنیم نه سفارت امریکا و شوروی. ما می خواهیم که مملکت خودمان را خودمان تعمیر کنیم نه یهودیها و اسرائیل. ما می خواهیم مملکتمان را آزاد کنیم؛ اختناق در مملکت ما نباشد. ما می خواهیم ارتش ما آزاد باشد؛ اسرائیل در آن تصرف نکند، امریکا در آن تصرف نکند. درود بر شما که قدر نعمت خدا را دانستید و به دامن قرآن پیوستید. درود بر شما که ترک کردید حکومت «طاغوت» را و به حکومت «الله» پیوستید... ما می خواهیم که مملکت را شما مستقل کنید. دست اجانب کوتاه باشد. خداوند نصرت به همه شما عنایت کند. باید این نهضت را حفظ کنید تا ان شاء الله به آخر نقطه و نهایت؛ که قیام یک حکومت عدل انسانی اسلامی است به جای یک حکومت طاغوتی.